



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۵ ■ ۸ اسفند ۱۳۹۸

نوجوان  
جوان

۶

۶۶

اون زمان وقت زیادی رو برای ورزش گذاشته بودم و هیچ وقت ناهار به خونه نمی‌رفتم و با يك بیسکوییت خودم رو سیر می‌کردم. با این حال در کنار ورزش حرفه‌ای روی درسم تأکید داشتم و تونستم تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصیل بدم. ولی فکر می‌کنم دهه هشتادیا خیلی به درس علاقه‌ای نشون نمی‌دن

میاد فکر می‌کنم و برای همین بی محابا به سمت توپ یورش می‌برم و کاری ندارم که در راه به يك بازیکن یا تیر دروازه بخورم. برای همین زیاد مصدوم میشم. در جام گذشته و در بازی با تیم نیجریه صورتم به پشت کله یکی از بازیکنان حریف خورد و لبم ترکید و يك تکه از لبم جدا شد و به زمین افتاد. در آن بازی‌ها کف دستم هم مصدوم بود و جراحی کرده بودم و بخیه داشت. اما دستکش که دست می‌کردم بادم می‌رفت که کف دستم بخیه دارد. در ضمن از چهار سال پیش به این شرایط هم آرنج دست چپم رباط نداره و به این شرایط هم عادت کردم. در همین مسابقات کتف دست راستم هم مصدوم بود که البته زیر نظر پزشک با همین مصدومیت به میدون رفتم.

(یعنی یکم دیگه توضیح می‌داد متوجه می‌شدیم با به چیزی شبیه پلیس آهنی طرفیم!)

هیچ وقت فکر نکردین فوتبال رو کنار بذارین؟ اصلا اگر فوتبالیست نمی‌شدین چکاره می‌شدین؟

من هیچ وقت فوتبال رو عوض نمی‌کردم اما الان به خاطر عوض شدن شرایط زندگی‌م آرامش خانواده و فرزندم خیلی برام مهمه. امیدوارم تا زمانی که لباس مقدس تیم ملی رو بر تن دارم نماینده خوبی برای مردم کشورم باشم. امیدوارم بتونم کم کم به خانواده‌ام رسیدگی بیشتری داشته باشم. من زمان‌های زیادی رو کنار خانواده‌ام نبودم و این زندگی رو برای اون‌ها سخت می‌کرد.

به هر حال هیچ وقت به این موضوع فکر نکردم که اگه توی فوتبال ساحلی حضور نداشتم، چیکار می‌کردم. گاهی تو به این باور می‌رسی که دقیقاً برای اون چیزی به دنیا اومدی که داری بهش می‌پردازی.

حرف آخر؟

روی صحبت‌م به نوجوان‌هایی ست که ورزش فوتبال رو انتخاب کردن. تلاش کنید نوسانات ورزشی زیادی نداشته باشین. مطمئن باشین که به روز موفقیت به شما رو می‌کنه. اگه نوسانات زندگی تون کم باشه یه‌وقت نمی‌کنین. چیزی که برای یه ورزشکار سمه، اما این هم یادتون باشه که توی این مسیر باید صبور باشین و تلاش زیادی کنین.



سید سجادی



امکاناتی که در اختیار اون هاست با زمان مافرق داره. مثلاً من از دوران دبیرستان و پیش‌دانشگاهی به شدت در اختیار تیم فوتبال شמושک بودم و با این تیم قرارداد داشتم. اون زمان وقت زیادی رو برای ورزش گذاشته بودم و هیچ وقت ناهار به خونه نمی‌رفتم و با يك بیسکوییت خودم رو سیر می‌کردم. با این حال در کنار ورزش حرفه‌ای روی درسم تأکید داشتم و تونستم تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصیل بدم. ولی فکر می‌کنم دهه هشتادیا خیلی به درس علاقه‌ای نشون نمی‌دن.

کدوم فوتبالیست‌ها رو دوست دارین؟

همیشه عابدزاده و علی کریمی رو دوست داشتم و الگوهای ورزشی من محسوب می‌شدن. علت اصلیش هم اینه که جزو مردان اخلاق و ورزش هستن.

گفتین علی کریمی، یاد این افتادم که شما با وجود دروازه‌بان بودن خیلی گل می‌زنید.

(با خنده می‌گوید) از این به بعد کمتر گل می‌زنم... البته این رو بگم که يك دروازه‌بان شش‌دانگ ساحلی باید گل زدن و پاس گل دادن رو بلد باشه؛ ضمن این که باید به موقع برای گل زدن اقدام کنه. مثلاً خود من نمی‌تونم هر زمان که دلم بخواد به سمت دروازه حریف شوت بزنم. باید دریك موقعیت‌های خاصی شوت زنی کنم.

فکر کنم در فوتبال ساحلی آسیب‌های زیادی می‌بینین. این صدمه‌ها از ادامه بازی پشیمونتون نمی‌کنه؟

فوتبال ساحلی سختی‌های خودش رو داره. تازه مثل فوتبال چمن، این همه مورد توجه نیست. آسیب‌های جسمانی زیادی هم دچار می‌شیم و فقط عشق به کشور و شاد کردن دل مردم، ما رو در این رشته نگه داشته.

من در جریان بازی فقط به توپی که به سمتم

گپ و گفت نوجوانه با اسطوره فوتبال ساحلی کشور

## نوسان نداشته باش!

حالا هی برای ما پیام بفرستین که چرا سراغ ورزشکارها نمی‌رین. خب این رو باید بگیریم که نشریه ما با حجم کم نمی‌تونه صفحات تخصصی داشته باشه. باید هر بار سراغ موضوعات متنوع ببریم. ولی خب این همه اصرار شما روی جواب نداشتیم و رفتیم سراغ یه اسطوره توی ورزشمون. یعنی پیمان حسینی، دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ساحلی.

گفت‌وگو:  
فاطمه  
میعادفر



چی شد که رفتین سراغ فوتبال ساحلی؟

شاید تعجب کنید اما من ورزشم رو از کاراته شروع کردم و بعد از اون سراغ فوتبال اومدم. اول هم فوتبال معمولی بود؛ یعنی مدتی در تیم شמושک نوشهر بازی می‌کردم. بعد از فوتبال، مسیرم يك باره عوض شد و با توصیه «فرشاد فلاحت‌زاده» (از بازیکنان سابق استقلال) به سمت فوتبال ساحلی کشیده شدم. بازی در فوتبال ساحلی رو با تیم سایپای کرج شروع کردم.

بعد با نظر «اوکتاویو» و «هاشم پور» سرمربیان تیم ملی به اردوی تیم ملی فوتبال ساحلی دعوت شدم. تجربه‌های مختلفی در این سال‌ها داشتم. در لکوموتیو مسکو بازی کردم و در بشیکتاش ترکیه. و الان حدود ده سال سابقه حضور در تیم ملی رو دارم.

آخرش چی؟ یعنی ته آرزویتان توی فوتبال چیه؟

همیشه دوست دارم که در بالاترین سطح ورزش ایران قرار بگیریم. در فوتبال رویاهای بزرگی داشتم و خدا رو شکر به تمام اهدافی که فکر می‌کردم رسیدم، البته قبلاً هم گفتم که خیلی دوست دارم يك مدرسه فوتبال ساحلی راه بندازم برای کشف استعدادها و پرورششون. به هر حال در فوتبال به همه چیز رسیدم و تکرار عناوین می‌تونه برام جذاب

باشه.

دنبال شهرت هم بودین؟

شهرت برای هر کسی می‌تونه مهم باشه اما محبوبیت از شهرت بهتره. این که تو در دل مردم جای داشته باشی خیلی اهمیت داره. شهرت با بودن تو معنا داره و با نبودن از بین می‌ره. محبوبیت در بین مردم برای من از هر شهرتی ارزشمندتره. چون وقتی محبوب باشی حتی در دورانی که پیش چشم مردم نیستی یا حتی بعد از مرگ هم این حس ادامه داره.

از نوجوانی وایام مدرسه بگین.

ایام مدرسه شیطنت‌های خاص خودش رو داشت. در دوران مدرسه هم مثل خیلی از پسرها عشق فوتبال بودم. چیزی که از همه بیشتر در خاطرم مونده اینه که کلاس‌های درسی رو هم می‌پیچوندیم برای فوتبال. (با خودم می‌گم چقدر قشنگ! دقیقاً برعکس مدرسه‌های امروز که زنگ ورزش رو هم، ریاضی و فیزیک درس میدن!!!)

نظرتون درباره

نوجوان‌های دهه هشتادی چیه؟

نسل فعلی با نسل ما متفاوت. یعنی دغدغه‌های دیگه‌ای دارن. اینم طبیعیه، چون



« در اوج

خیلی سخت است آدم پرود زیر ذره بین! مدام باید مراقب عملکردش باشه. اما پیمان حسینی همیشه زیر ذره بین است. نه رفتار هایش بلکه واکنشش به توپ‌هایی که شن‌های زمین را می‌شکافد و روانه دروازه‌اش می‌شود. او یکی از مهره‌های اصلی سربلندی فوتبال ساحلی ایران، مخصوصاً

از سال ۲۰۱۷ بود. آن روزها، همان حوالی سال ۹۵

خودمان، صفت «بهترین دروازه فوتبال ساحلی دنیا» افتخاری بود که فیفا بحق، به پیمان حسینی داد و اتفاقاً او و هم‌تیمی‌هایش ثابت کردند

نه تنها تک به تک ستاره هستند، بلکه می‌توانند نام ایران و فوتبال ساحلی‌اش را تا جایگاه سوم دنیا هم بالا ببرند و با بازی قشنگشان خوش بدرخشند.